

بررسی دهمین فصل کفالایای آموزگار:

«شرح چهارده ائون بزرگ که شیث در نماز خود از آنها سخن گفته است»

مریم قانع^۱

چکیده

فصل دهم کفالایای آموزگار از جمله متونی است که در آن به ساختار چهارده ائون و جایگاه شیث اشاره شده است. این ساختار الاهیاتی در برخی ویژگی‌ها با سنت‌های شیثی-گنوسی شناخته‌شده در متون نجع حمادی، به‌ویژه «سه لوح شیث» و «انجیل مصریان»، هم‌پوشانی دارد. مسئله اصلی این پژوهش بررسی نسبت این ساختار با سنت شیثی گنوسی و ارزیابی میزان تأثیرپذیری یا هم‌افقی الاهیاتی آن است. این پژوهش با روش تحلیل تطبیقی-متنی انجام شده و در آن داده‌های فصل دهم کفالایا با متون قبلی مانوی و رساله‌های شیثی نجع حمادی مقایسه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه از نظر مفهومی شباهت‌هایی در الگوی صدور ائون‌ها و جایگاه نجات‌شناختی شیث وجود دارد، اما این هم‌پوشانی لزوماً به معنای اقتباس مستقیم نیست و می‌توان آن را در چارچوب تعاملات فکری گسترده‌تر در محیط دینی مصر متأخر تحلیل کرد. بر این اساس، ساختار چهارده ائون در کفالایا را می‌توان نمونه‌ای از بازپردازی مانوی مفاهیم گنوسی در زمینه‌ای جدید دانست.

واژه‌های کلیدی: کفالایا، مانویت، شیث، ائون، نجع حمادی، گنوسیسیم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

۱. کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های ایران باستان، دانشگاه ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Maryam.ghanei90@gmail.com

مقدمه

کفالایا (در معنی فصول^۱) اثری مانوی است که می‌تواند در ردیف "احادیث" در سنت اسلامی طبقه‌بندی شود. این فرض در باب نگارش کفالایا مطرح است که این دست‌نوشته در حلقه یاران نزدیک مانی در اواخر قرن سوم یا اوایل قرن چهارم میلادی در دو کدکس پاپیروسی بزرگ نگاشته شده و به تدریج با گسترش مانستان‌ها در سراسر اوراسیا و شمال آفریقا انتشار یافته باشد. این دو دست‌نوشته متشکل از بخش اول با عنوان "کفالایای آموزگار" در موزه دولتی برلین و بخش دوم با عنوان "حکمت سرورم مانی" در کتابخانه چستریتی دوبلین نگهداری می‌شود.^۲

۱. این واژه در معانی «عنوان‌ها»، «نکات اصلی»، «گزیده‌ها»، «موضوعات» نیز آمده است.
 ۲. حجم کلی کدکس اصلی را می‌توان ۴۹۶ صفحه در چهار دفتر و ۲۶ فصل محاسبه کرد که از این مجموعه عظیم تنها جلد سوم و بخش‌هایی از جلد چهارم تا حدودی خوانا و قابل‌بازیابی بوده است. جلد سوم شامل صفحات ۳۴۳ تا ۴۴۲ کدکس است هرچند بخش قابل‌توجهی از صفحات دست‌نوشته یعنی اوراق پایانی جلد دوم و آغازین جلد سوم از بین رفته است. جلد چهارم شامل روایت روزهای پایانی مانی خواهد بود که به فصول شماره‌دار ضمیمه شده و از صفحه ۴۴۲ آغاز می‌شود. این بخش نسخه‌ای از چرخه روایی است که در جای دیگر با عنوان «گفتار در باب مصلوب شدن» به همراه برخی توضیحات پایانی درباره کل اثر ثبت شده است. بدین ترتیب، کفالایای معرفی شده تحت عنوان کفالایای دوبلین شامل آخرین سلسله فصول از مجموعه عظیمی است که از ابتدای کتاب اول «کفالایای قبطی» متعلق به یافته‌های مدینه مادی، یعنی کدکس برلین، آغاز می‌شود. محققانی چون ایان گاردنر، پاوول دیلی و جیسون بدون در دو اثر مجزا مفصل به مجموعه کفالایای چستریتی پرداخته‌اند که کتاب اول در قالب مجموعه مقالات و با عنوان «مانی در دربار پادشاهان پارس» در سال ۲۰۱۵م. به چاپ رسید و اثر دوم که شامل بخش‌های باقی مانده از بخش سوم (صفحات ۳۴۳-۴۴۲) کفالایای چستریتی است با عنوان «حکمت سرورم مانی» ترجمه، ویرایش و در سال ۲۰۲۲م. به عرصه نشر وارد شد. در این فصول شرح ملاقات و مناظره مانی با مقامات دولتی و حکمای شناخته‌شده دربار ساسانی آمده است. بخش‌های مربوط به دیدار مانی با پادشاه توران و مناظرات مفصلش با فیلسوفی به نام «گونداش»، تشابهات قابل‌توجهی با متون بازیابی شده از آسیای مرکزی در یک قرن پیش دارند. پرداختن به جزئیات خاصی مانند نام‌مکان‌ها، عناوین و ارجاعات به اعمال آیینی و جشن‌ها، سهمی چشمگیر در ثبت دوره‌ای از تاریخ ایران دارند که تا به امروز به‌نحو ضعیفی مستند شده است. در کفالایای چستریتی ارجاعات و نقل‌قول‌هایی از زرتشت (با عنوان «زارادس») و اشاراتی به «قانون زارادس» شده که افق‌های جدیدی را بر مطالعات دین‌مزدیسنا می‌گشاید. همچنین این اثر مجموعه‌ای است استثنایی از نقل‌قول‌های شناخته شده و نشده عیسی که گنجینه‌ای برای مطالعات کتاب مقدس نیز محسوب می‌شوند.

ن.ک:

Gardner, Iain, Jason BeDuhn, and Paul Dilley. 2015, *Mani at the Court of the Persian Kings*:

کفالایای آموزگار که تحقیق حاضر بر پایه آن تنظیم شده، مجموعه‌ای است که علاوه بر بررسی موضوعاتی چون تکوین آفرینش، راز فصل‌ها، چگونگی حرکت خورشید و ماه، راز مجراها و چرخ‌ها، حیات‌وممات جنبنندگان و مباحث پرچالشی چون موضوعات آخر زمانی و حتی مباحثی چون حیات اخلاقی و اجتماعی مانویان و ده‌ها راز سربه‌مهر دیگر، به مسائلی چون نیایش روزه، صدقه نیز به تفصیل اشاره دارد. این کتاب به‌تنهایی می‌تواند، مانویت را معرفی و با ابعاد گسترده این نحلّه بیشتر فلسفی، خواننده را آشنا کند. در این اثر ادبی تمثیل، تفسیر و تشبیه با پرسشی که نوآموز از روشنی‌بخش، مانی، می‌پرسد، آغاز می‌شود. پاسخ‌ها گاه ساده و گاه پیچیده و هزارتو است. فهم پرسنده و نوع پرسش در لحن و محتوای پاسخ تأثیرگذار است. در این میان لحظاتی هست که مانی از خود سخن می‌گوید، از زمان ورودش به بارگاه شاپور و یا حضور در شهری دوردست که این شرح‌حال‌نویسی مختصر پرده از حادثه‌ای تاریخی بر می‌دارد که ارزش اثر را چندین برابر می‌سازد. لحن اثر آهنگین است. در این اثر ارزشمند گاه ردپایی از رازهای اخنوخ و گاه کلام متقن فلاسفه یونان یافته می‌شود. مانی حواری‌وار، سخنان عیسی را به زبان می‌آورد؛ حال آنکه در تمثیل همواره از مفاهیم گنوسی مدد می‌جوید. او از هر چه توانسته بهره برده تا افکار و مکونات خویش را بر مخاطب عرضه کند. با وجود خدش‌های که بر این اثر ارزشمند در طول زمان وارد شده و خوانش برخی فصول را به‌شدت دشوار کرده است؛ اما باز هم می‌توان از میان افتادگی‌ها به مقصود نویسنده تا حد زیادی پی برد و همین ویژگی، کفالایای آموزگار را با ۱۲۲ پرسش در زمره یکی از کامل‌ترین آثار مانوی قرار می‌دهد.^۱ در کفالایا به جنبه تشریحی مانویت نیز اشاره شده است. در این اثر پرسش‌های متعددی درباره موضوعاتی چون نیایش، روزه، روانیگان (صدقه) مطرح شده است. در این مقاله، به چهارده ائونی که در نماز شیت از آنها یاد می‌شود پرداخته خواهد شد.

Studies on the Chester Beatty Kephalaia Codex. Nag Hammadi and Manichaean Studies 87. Leiden: Brill.

Gardner, I. BeDuhn, J & Dilley, P. 2022. *Manichaean Manuscripts in the Chester Beatty Library: The Kephalaia Codex - The Chapters of the Wisdom of My Lord Mani, Part iii: Pages 343-442* (Chapters 321-347), Leiden, Boston.

۱. ترجمه این اثر به زبان فارسی اول بار در سال ۱۳۹۵ در اختیار خوانندگان تحت عنوان زیر قرار گرفته است:

کفالایا: نسخه موزه برلین؛ برگردان تطبیقی از ترجمه آلمانی و انگلیسی نسخه قبطی، ۱۳۹۵، برگردان: مریم قانع؛ سمیه مشایخ، انتشارات طهوری.

سپس تأثیر آن در دیگر متون مانوی توجه خواهد شد و سپس به نقش شیث^۱ و نماز او در میان مانویان و تعبیر چهارده جاویدان در متون گنوسی به روایت نسخ نجع حمادی اشاره خواهد شد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا ساختار چهارده ائون و جایگاه شیث در فصل دهم کفالای بازتابی مستقیم از سنت شیثی گنوسی است، یا باید آن را در چارچوب تحول درونی الاهیات مانوی و تعاملات گسترده تر محیط فکری مصر تبیین کرد؟ فرضیه این مقاله آن است که هم‌پوشانی‌های مفهومی میان این دو سنت را نمی‌توان صرفاً به اقتباس مستقیم فروکاست، بلکه باید آن را نتیجه نوعی هم‌افقی الاهیاتی در بستر مشترک فرهنگی-دینی دانست. مقاله حاضر ابتدا جایگاه فصل دهم کفالای را در سنت مانوی بررسی می‌کند، سپس ساختار ائون‌ها و نقش شیث را در متون شیثی نجع حمادی تحلیل کرده و در نهایت، با مقایسه تطبیقی این داده‌ها، میزان اشتراک و تمایز دو سنت را ارزیابی می‌کند

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی درباره کفالای و الاهیات مانوی انجام شده است. مطالعات انتقادی درباره متون قبلی مانوی و ساختار الاهیاتی آنها، عمدتاً بر تحلیل نظام صدور، مفهوم نور و ظلمت و جایگاه مسیح در مانویت تمرکز داشته‌اند. در این میان، برخی پژوهشگران همچون جیمز رایبسون و همکارانش در کتاب "The Nag Hammadi Library in English" در ۱۹۹۶ م به خوانش و ترجمه متون گنوسی همت گمارده‌اند و به حضور مفاهیم مشترک میان مانویت و گنوسیسم اشاره کرده‌اند، اما بررسی مشخص جایگاه شیث در کفالای کمتر مورد توجه مستقل قرار گرفته است.

در حوزه مطالعات گنوسی، رساله‌های شیثی نجع حمادی، به‌ویژه «سه لوح شیث» و «انجیل مصریان»، به‌عنوان متونی کلیدی در تبیین نظام‌های صدور و نقش نجات‌بخش شیث تحلیل شده‌اند. پژوهش‌های مربوط به این متون، بر ساختار ائون‌ها، سلسله‌مراتب الهی و مفهوم نسل برگزیده شیث تأکید کرده‌اند. با وجود این مطالعات، تاکنون پژوهشی که به‌طور مستقیم ساختار چهارده ائون در فصل دهم کفالای را با نظام شیثی نجع حمادی مقایسه و نسبت آنها را به‌صورت تحلیلی بررسی کند، صورت نگرفته است. مقاله حاضر درصدد پر کردن این خلأ پژوهشی است.

1. Seth/Sethel/Šitil

روش شناسی

این پژوهش از نوع بنیادی و با رویکرد کیفی انجام شده است. روش تحقیق، تحلیل تطبیقی - متنی است. در گام نخست، ساختار الاهیاتی فصل دهم کفالیای آموزگار بر اساس متن قبطنی موجود تحلیل شد و جایگاه شیث و چهارده ائون در آن استخراج گردید. در گام دوم، داده‌های به‌دست‌آمده با رساله‌های شیثی نجع حمادی، به‌ویژه «سه لوح شیث» و «انجیل مصریان»، مقایسه شد. معیار مقایسه شامل موارد زیر بود:

۱. تعداد و ترتیب ائونها
۲. جایگاه شیث در نظام صدور
۳. کارکرد نجات‌شناختی
۴. زبان نمادین و اصطلاحات الاهیاتی

در مرحله سوم، برای ارزیابی استمرار یا گسست این الگو، به داده‌های متون مانوی ایرانی نیز ارجاع شد. تحلیل نهایی بر اساس شباهت‌های ساختاری، هم‌پوشانی مفهومی و تمایزهای کارکردی صورت گرفت. این روش امکان می‌دهد که از یک‌سو شباهت‌های نظام‌مند شناسایی شود و از سوی دیگر از نتیجه‌گیری‌های شتاب‌زده درباره اقتباس مستقیم پرهیز گردد.

نماز - نیایش در متون قبطنی مانوی

کتابت اولیه کفالیای که بر روی پاپیروس مرقوم گردیده در بردارنده اوراقی با ورق‌شماری در بالای صفحه است. در ابتدای هر بخش، شماره هر فصل مرقوم گردیده است. در ذیل شماره هر فصل، عنوان فصل ذکر می‌شود و در ذیل عنوان، بندها یک‌به‌یک قرار می‌گیرند. اعدادی که در کنار متن قرار گرفته‌اند نشانگر شروع هر بند هستند. هر برگ بین ۳۰ تا ۳۵ بند را در خود دارد. عموماً جملات در یک‌بند به پایان نمی‌رسند و گاه چند بند متوالی در بردارنده یک جمله است. برای مثال، درحالی‌که فعل جمله در بند اول ذکر شده، جمله در بند سوم خاتمه یافته است و از آنجا که افتادگی‌ها در متن بسیار است، همین امر باعث می‌شود تا خوانش این اثر شعرگونه دشوارتر گردد و چنانچه مترجم فارسی بخواهد به متن وفادار بماند ساختار جملات تا حدی ناپیوسته خواهد بود

که گریزی از آن نیست. در این مقاله بندها نه در ردیفهای مجزا، آن گونه که در نسخه اصلی کفالایا ترتیب یافته که به صورت پیوسته و پشت سرهم مرتب شده و با علامت / از یکدیگر جدا و افتادگی‌ها با نشانگر سه نقطه مشخص شده‌اند. در کفالایا، هر فصل با پرسشی از سوی نیوشا آغاز می‌شود و فوستیر (روشنی‌بخش) که همان مانی است به پرسش‌ها پاسخ می‌دهد

فصل دهم کفالایای آموزگار

کفالایا در طول زمان دستخوش ناملایمات بسیار شده است تا آنجا که بخش‌های بسیاری از این اثر مخدوش و ناخوانا باقی مانده است. این خدشه‌ها بر فصل‌های ابتدایی و پایانی این اثر بیشتر نمایان است، اما خوشبختانه فصل دهم کفالایا که موضوع این تحقیق است نسبت به فصول پیشتر خود از گزند روزگار بیشتر در امان مانده است. در ابتدای فصل، عدد فصل و عنوان آن با عبارت: «اندر شرح چهارده ائون [بزرگ] /^{۳۶} که شیث در نماز [خود] از آنها سخن گفته است» کتابت شده است و متن با عبارات زیر آغاز و به اتمام می‌رسد

^{۳۱} به ما بگو، ای سرور، به چه معنا هستند این چهارده /^{۳۲}. ائون بزرگ روشنی. پس روشنی‌بخش [گفت] /^{۳۳}. به ایشان: ... / که... /^{۳۴} / فرودست، متشکل از چهارده [ائون بزرگ] است /^{۳۵}. پنج عنصر، پسران / نخستین انسان همراه با، «خروش» و «پاسخ»: حال آنکه ایشان به آنان اضافه شده‌اند / و در ایشان سکنی دارند. شمار اینها مشتمل بر هفت است: پنج و دو /^{۳۶} پنج (?) پسران روح زنده‌اند که /^{۳۷}. تمام [بار] جهان را [به دوش می‌کشند]، همچنین /^{۳۸}. روح زنده [و] نخستین انسان، پدرانشان. ایشان اند چهارده /^{۳۹}. [ستایشی که او] خواند: آن ستایش مشتمل است بر چهارده /^{۴۰} نماز (?) که جهان از آنها برقرار است. /^{۴۱}. اینها چهارده ائون روشنی‌اند، شیث. درباره آنان در نماز خود شرح داده /^{۴۲} سرزمینی که پیدا نیست. این سرزمین دارد... /^{۴۳}... ایستادند و دشمن را نابود کردند... /^{۴۴} ایشان را همسنگ‌اند (?) مُستتر... که... /^{۴۵}. سومین (?) فرستاده که از پدر صادر شده است که /^{۴۶}... او آمد و در میان ایشان به پا خواست. /^{۴۷}. حال آنکه او پدر نیک [همه] ائونها نامیده می‌شود، و [ایزدان]، /^{۴۸}. پاکان و آمیختگان، او راهبر شد و /^{۴۹}. پادشاهی بزرگ به‌سان پدر نخستین، سرور همه این /

۲۰. تدبیرها. این جهان به واسطه این اراده به هم متصل شده است / تا فرجام هر چیز (کفالایا، فصل ۱۰، ۱۳۹۵: ۳-۴۲)

در این فصل، چند نکته کلیدی به روشنی تبیین شده است: مانی چهارده «ائون» نماز شیث را به این ترتیب معرفی می‌کند: نخستین انسان و پنج پسرش اثیر، باد، روشنی آب و آتش و نیز پسر ششمش، پاسخ؛ روح زنده به همراه پنج پسرش، یعنی نگهدارنده شکوه، شاه افتخار، الماس روشنایی، شاه جلال و اطلس و در نهایت فرزند ششمش، خروش ایزد. هر یک از این شخصیت‌ها در نظام هماهنگ مانوی، نقش و کارکردی ویژه ایفا می‌کنند. در اینجا نکته حائز اهمیت در بهره‌گیری از اصطلاح ائون برای ایزدان مانوی است، وام‌گیری متداولی که تنها در متون قبطنی مانوی رد و نشانش را می‌توان یافت. ائون در متون قبطنی مانوی اصطلاحی کاملاً شناخته شده است که همپای ایزدان به کار برده می‌شود. اصطلاحی که در متون نجع حمادی به کرات استفاده می‌شود

نکته قابل توجه دیگر در این فصل آن است که مانی به صراحت خود را پیرو شیث معرفی می‌کند و خویش را در زمره نمازگزاران او قرار می‌دهد؛ حتی تقدیس‌شدگان نماز خود را همان تقدیس‌شدگان نماز شیث می‌داند. در حقیقت شیث در این فصل از کفالایا در مقام نمازگزار اعظم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. راز حضور شیث در این مقام را می‌توان در ادامه مقاله و با بررسی متون گنوسی نجع حمادی دریافت. اما پرسش اصلی آن است که آیا از شیث در دیگر فصول کفالایا نیز در مقام نمازگزار اعظم یاد شده و آیا چهارده ائون، شخصیت‌های تقدیس شده در تمامی نماز- نیایش‌های مانوی هستند یا این رویکرد صرفاً به فصل دهم کفالایای آموزگار محدود می‌شود؟

صد و پانزدهمین فصل از کفالایای آموزگار

صد و پانزدهمین فصل کفالایا با عنوان: «نیوشا پرسید از رسول: آیا آرامشی هست برای او که از جسم خارج شده، اگر قدیسین برای او نماز گزارند و صدقه دهند؟» به سؤالات بسیاری پاسخ می‌دهد. در این فصل مانی نیوشا را وعده می‌دهد که به او پیاموزد که چگونه درخواست و نیاز خود را بیان کند. او به تأثیر نماز قدیسان و برگزیدگان بر انسان‌ها اشاره می‌کند و از نمازی که مادر زندگی برای فرزند در بند خود می‌خواند، یاد می‌کند. این نماز، در سنت مانوی و به روایت کفالایا، نخستین نمازی است که در برابر

پدربزرگی خوانده می‌شود. او این نماز را به همراه نیروهای فراوانی که ملازمش بودند، برای انسان نخستین که هبوط کرده و در تاریکی دنیا اسیر شده بود، به جا آورد. انسان نخستینی که از مادر زندگی فاصله گرفته و از او جدا شده بود، خود را در تباهی و رنج و سستی، در عوالم به اندوه بزرگی افکنده بود (و) در سرزمین تاریکی در پرتگاه‌های دهشت‌زاه، در میانه گور اهریمنان، در میان نیروهای ابلیس جنگیده بود. زیرا او بسان پادشاهی است که در میان دشمنانش ایستاده است و برای پیروزی در این نبرد مادر زندگی برای یاری او در پیشگاه پدربزرگی نماز می‌گزارد

اما آنگاه که مادر زندگی به پدر، (همان) نخستین پاینده، لابه کرد، بر او نماز خواند و او را ستایش کرد و او را ستود، از او (پدر) درخواست کرد که نیرویی بفرستد، نگهبانی، نجات‌دهنده‌ای، و یاری‌رسانی برای پسر خدا که در اندوه گرفتار است. چنان که او درخواست کرد و لابه کرد، سپس نماز او کامل شد و در پیشگاه پدربزرگی پذیرفته شد. بازگشت و تقاضایش را برآورده ساخت

اما نماز بعدی که در این فصل از کفالیای از آن یاد می‌شود نماز این پنج نفر است:

سپس ایستاد روح بزرگ همراه با دوستدار روشنایی، با رازیگر بزرگ، روح زنده و انسان نخستین. این پنج (نفر) برخاستند به نماز، آنان تکریم کردند و ستودند پدر را (همان) نخستین قائم راه، ایشان درخواستی بر او اعلام داشتند (و) تقاضا کردند درخواستی را از او که به ایشان نیرو بخشد.

این بار درخواست نجات روان زنده و پاسخ فرستاده سوم مطرح می‌شود. مانی با بیان سابقه نیایش و نماز در میان خدایان به نیوشا و برگزیده مؤمن وعده می‌دهد که:

هر برگزیده کامل و هر نیوشای مؤمنی که متوسل به حقیقت شود و آن کس که با اعتقاد راسخ به نماز بایستد، حال آنکه با ایمان نیاز کند و نماز خواند [خواه] برای خودش باشد یا برای کس دیگری که از جسم جدا شده است، نماز او و درخواست او اجابت می‌شود [برای آنچه که او تقاضا] [کرده است]، چنان که نماز پدرانش اجابت شد... (کفالیایا، فصل ۱۱۵، ۱۳۹۵: ۸۰ - ۲۷۰)

فوستیر(روشنی بخش)/مانی، در این فصل از کفالیایا به سومین نماز هم اشاره می‌کند؛ اما این فصل چنان مخدوش است که کلام مانی در لابه‌لای سطرها مستتر مانده است، اما می‌توان برداشت کرد که این بار درخواست بر سر عطاشدن معرفت و شناخت است

و عیسای رخشان نماینده آگاهی بخشی به آدم است، او به زمین هبوط می کند تا آدم را از خاستگاه روان مطلع سازد. در این فصل تنها به نخستین نمازها و هدف برپاداری آن در مانویت اشاره می شود و هدف نیایش همانا رستگاری و رهایی انسان نخستین و روح زنده است. در واقع در این فصل به این نکته اذعان می شود که کسانی که در فصل دهم در نماز تقدیس می شوند همان هایی هستند که در نخستین نماز- نیایش ها پدر بزرگی را تقدیس کرده اند. در نماز تنها از پدر بزرگی یاد می شود و سرانجام نماز با نیاز به پایان می رسد. در بندهای پایانی بر این امر تأکید می شود که چنانچه نیوشا یا برگزیده نماز را به اخلاص برآورند پاسخ نیاز خود را دریافت می کنند. همچنین بر این امر صحنه می گذارد که نماز مختص نیوشا یا برگزیده نبوده است و همه مراتب مانوی ملزم به ادای این فریضه هستند. در این فصل سخنی از شیث به میان نمی آید، اما چهارده ائون تقدیس شده همان کسانی هستند که در فصل دهم از آنان یاد شده است

فصل نود و یکم کفالایای آموزگار

فصل نود و دوم کفالایا با عنوان «اندر نیوشایی که در یک جسم واحد، نجات می یابد.» آغاز می شود. در این فصل موضوع بر سر چگونگی نجات از چرخه تناسخ است. همچنین پیرامون برپاداری نماز به عنوان مهم ترین اصل عبادی که باید اوقاتش محفوظ بماند، سخن رفته است

نیوشایان مؤمن و راستین پنجاه روز، روزه می گیرند که در / پنجاه یک شنبه سال / او آنها را وادار به تزکیه می کند درحالی که خودداری می کند از / شهوت زنش، و بسترش را پاک نگه می دارد با / امساک در همه یکشنبه ها، او /... در خوراک خود، او طعام خود را آلوده نمی کند، با ماهی... / و هر آلودگی از نوع گوشت و خون؛ نیز نمی خورد / او هیچ گونه خوراک (آلوده ای را در روزهای یکشنبه؛ او هم چنین مصون نگه می دارد / دستانش را از کشتن و آزار ارواح زنده / اوقات نماز نزد او محفوظ اند)؟ او وعده های نماز را رعایت می کند / و هر روز به نماز می ایستد. هر ساعت و / هر روز، هر ساعت از نماز، آنها می شوند... / روزه او و صدقه ای که می دهد در همه / روزهای سال، صدقات برای او محاسبه می شوند جزو / کارهای خوب، روزه ای که گرفته است، پوشاکی که / به قدیسان پوشانده است و آنان ارتباطی روزانه دارند بدین ترتیب / با ایشان در روزه خود و اعمال خوبشان /...

اینها و کارهای دیگر همه محاسبه می‌شوند و نیمی از اعمال دیگر را بدل می‌کنند/ به‌خوبی نیمی دیگر را به بدی (کفالایا، فصل ۹۱، ۱۳۹۵: ۳۴، ۲۲۸)

در این فصل علاوه بر نماز به صدقه و روزه تحت عنوان اعمال عبادی مهم اشاره شده است. اما ذکر از شیوه و چگونگی ادای نماز به میان نیامده و تنها این نکته بر ما مشخص می‌شود که نماز به‌صورت روزانه و در زمان مشخص به پا داشته می‌شود

فصل صدویست و دوم کفالایای آموزگار

صد و بیستین فصل کفالایا و آخرین فصل که به نقش و کارکرد دو ایزد خروش و پاسخ در ترکیب چهارده ائون نماز مانوی می‌پردازد. درباره ارتباط دو ایزد خروش و پاسخ با آری و آمین باید به صدویست و دومین فصل یعنی آخرین فصل کفالایا رجوع کرد. این متن به صورت ناتمام و با افتادگی‌ها و خدشه‌های فراوان تحت عنوان «درباره آمین و آری» منتشر گردیده است. (Gardner and Lieu, 2004: 194-6) بر اساس این فصل، خروش و پاسخ همان آری و آمین هستند که دعا و نیایش را تأیید و مهروموم می‌سازند و نقش تعیین‌کننده‌ای در نیایش ایفا می‌کنند. به نقل از آخرین بند از دهمین فصل کفالایا: «این جهان به‌واسطه این اراده به هم متصل شده است.» یک اراده جمعی که جهان را به صلح هدایت می‌کند و زمانی اجابت، دوچندان خواهد شد که جماعت همگی با هم خروش کنند و نیاز کنند و این‌گونه است که به این بانگ پاسخ داده خواهد شد. چنانچه در نماز نخستین مادر با یارانش برای نجات نخستین انسان لابه کرد و نماز بر پا داشت. در این فصل از کتاب، تأکید بر نماز دسته‌جمعی و به‌اصطلاح نماز جماعت است که آمین مهر اجابتی بر نیایش و نیاز جماعت است

چنانچه از نظر گذشت، در دیگر فصول کفالایا و در بحث نیایش، سخنی از شیث و نمازش به میان نیامده است. بارها در نیایش‌ها از چهارده جاودان مانوی یاد شد؛ اما به وجه تاریخی این نیایش اشاره‌ای نشد؛ بنابراین تنها در فصل دهم کفالایا به شیث (در مقام نمازگزار اعظم) و چهارده ائون نماز شیث اشاره شده است، اما فصل مشترک مضامین مرتبط با نماز در کفالایا همان دعای مادر زندگی برای نخستین انسان زندانی است که اهمیت مداخله الهی را نشان می‌دهد. دعاهایی هدمند برای نجات و رهایی که عناصر کلیدی آموزه‌های مانوی یعنی پاکسازی و رهایی از گناهان را در خود منعکس

می‌کند.

از دیگر سو شخصیت مانی در کفالایای چسترییتی رسولی است که همچون آدم و شیث، انوش و سام، اخنوخ و نوح و سام فرشتگانی از سرزمین نور بر ایشان ظاهر شده‌اند، ایشان را به سرزمین نور برده‌اند، راز دوزخ و بهشت به ایشان تعلیم داده‌اند آنها را بازگردانده‌اند. ایشان به وجود سرزمین نور و دوزخ شهادت داده‌اند؛ اعمال نیکو انجام داده‌اند؛ از جسم خویش خارج شده‌اند و به سرزمین نور بازگشته‌اند (Gardner, 2022: 423-424); بنابراین در بخش باقی مانده از کفالایای چسترییتی نیز سخنی از شیث در مقام نمازگزار اعظم به میان نیامده است، حال این پرسش مطرح است که آیا شیث در دیگر متون قبطی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است یا منحصر به فصل دهم کفالایاست

مباحث مرتبط با نماز در مزامیر و مواعظ مانوی^۱

شیث جایگاه خود را بار دیگر در متنی قبطی به دست می‌آورد. در نسخه قبطی مزامیر، او در مقام نجات‌دهنده (Allberry, 1938: 144) و اعطاکننده زندگی به روان معرفی شده است (Allberry, 1938: 144). شیث در مزامیر از جایگاهی فراتر از آدم برخوردار است. نشانه این برتری و تقدس در نیایشی کوتاه جلوه می‌کند:

«استغاثه یک باکره بر شیث، آمین / استغاثه پاک‌دامن بر آدم، آمین / استغاثه یک ازدواج کرده بر حوا، آمین» (Allberry, 1938: 179)

تفسیر این نیایش کوتاه را در فصل ۹۸ کفالایا می‌توان یافت؛ فصلی با عنوان «باکرگی (پاک‌دامنی) چیست، یا در مقابل آنچه چیزی پرهیزگاری است؟» (کفالایا، ۱۳۹۵: ۹-۲۴۸). در این فصل، باکره همان برگزیده‌ای است که تن خود به شهوت نیالوده و نور روشنائی کالبدش را در برگرفته است و اما پرهیزگار که در اینجا منظور نیوشا است. او «انسان جدید» است که از «انسان قدیم» رهایی یافته، تن خود را با شهوت تنها یک زن آلوده و روشنائی را اسیر کرده است؛ اما سپس توبه کرده و او را ترک نموده است. در این مزامیر یک باکره (برگزیده) که جایگاه بالاتری در سنت مانوی دارد، برای شیث دست به استغاثه بالا می‌برد و تنها اوست که لایق بر زبان آوردن نام شیث و استغاثه به درگاه اوست

1. A Manichaean Psalm- book

و یک نیوشا برای آدم و البته انسان متأهل که شاید به تعبیر آلبری مقصود شخص غیرمانوی باشد و نماد شهوت و زندگی پست دنیوی، برای حوالب به استغائه می‌گشاید. این شاید بتواند نشانه‌ای بر آن باشد که جایگاه شیث در سنت مانوی فراتر از آدم است و این تفاوت جایگاه در حد اختلاف طبقه برگزیده و نیوشا در سلسه مراتب مانوی است اما در خصوص ذکر نیایش در نماز مانویان نیز مزامیر راهگشاست. در قسمتی از کتاب مزامیر به پاسداشت شخصیت‌های زیر اشاره می‌شود

با توست عظمت و پیروزی، سرورمان مانی، (... ارباب ما،^{۱۰} سیسینیوس، این است (...)
اینیائوس، پیروزی از آن گابریاب، سرور ما (... پیروزی برای سالمائوس، سرور ما پاپوس (... سرور ما آژتوس، آداس شکوهمند، سرور ما (... پیروزی برای همه جاودانان (... برای روح^{۱۵} پلوسیانه، روح تتونا و روح مریم مقدس^۱» (Allberry, 1938: 32-4).

در مزامیر مانوی به مواردی چون نماز گزاردن با نمازگزار بزرگ، توبه نیوشایان و ذکر نام بزرگان و درگذشتگان مورد احترام مانوی در نیایش اشاره شده است. شخصیت‌های مطرح شده با نام‌های یونانی ناشناخته همچون همتایان گنوسی‌شان و به‌مثابه چهارده ائون شیث، گرامی داشته می‌شوند. این شخصیت‌ها بی‌شک ائون‌های تقدیس شده نماز شیث نیستند؛ اما مقلدانه نویسندگان مزامیر از آنان چون چهارده تن شیثی یاد کرده‌اند از دیگر سو در اثر شعرگونه‌ای به نام مواعظ قبطی مانوی،^۲ اثری به واقع فاخر که به زیبایی روایتگر آخرین مواعظ مانی، وقایع تاریخی سال‌های پایانی زندگی او؛ لابه و زاری او به درگاه پدر بزرگی، مصلوب شدن روشنی‌بخش، تعقیب و گریز و مرگ یاران نزدیک مانی است. این اثر که به دست اخلاف مانی نگاشته شده، بر این امر صحه می‌گذارد که نیایش‌ها و تضرع‌ها رنگ و بوی مسیحی دارد تا گنوسی- شیثی. هرچند از شخصیت شیث در چند بند پراکنده یاد شده است و نویسنده اثر حتی مانی را با شیث قیاس می‌کند در عبارت «همچون شیث تاج‌گذاری کرد» که به مقام روحانی و نجات بخشی شیث اشاره دارد، اما مانی سروده‌ها، مسیح مصلوبی است که از پدر تقاضای رهایی جسم خویش از دنیای فانی می‌کند، بی‌آنکه سخنی از ائون‌ها و فرشتگان مقرب به میان آید.

1. Sisinnios, Innaios, Gabriab, Salmaios, Pappos, Ozeos, Addas, Plousiane, Theona, Marry
2. Manichaische Homilien

نقش مسیح در مواعظ چنان پررنگ است که راه را برای حضور هر شخصیت تاریخی - مذهبی دیگری می‌بندد. در حقیقت مواعظ جولانگاه مسیح است و نه شیث

چگونگی برپایی نماز در سند إسمنت الخراب

یکی از مهم‌ترین دست‌نویس‌ها با موضوع نماز مانویان، سندی یونانی است که در فوریه ۱۹۹۲ در سایت باستانی کلیس (إسمنت الخراب امروزی) در واحه دخره مصر کشف شد. این مجموعه شامل بیش از ۳۰۰۰ پاپیروس و قطعات دیگر است که اسناد مانوی قرن چهارم و یک قطعه دوزبانه قبطی - سریانی را در بر می‌گیرد. در میان این اسناد، متن نیایشی منحصر به فردی به نام «نماز تجلیات» وجود دارد که بر روی تخته‌چوبی به ابعاد ۳۱ در ۹ سانتی‌متر حک شده و به دلیل طراحی خاص، امکان استفاده مکرر بدون آسیب‌دیدگی را فراهم می‌کند. این متن به زبان یونانی و در ۹۵ سطر و در ۲ ستون نوشته شده است و شامل نیایش‌هایی است که به خدایان و فرشتگان از بالاترین تا نازل‌ترین مراتب تقدیم می‌شود (Gardner and Lieu, 2004: 194-6).

در این نماز، توصیه شده است که نمازگزار در روز به سمت خورشید و در شب به سمت ماه بایستد. اگر ماه قابل مشاهده نباشد، نماز به سمت شمال خوانده شود. دست‌ها و صورت خود را بشوید و نماز را در فضای باز یا داخل خانه با صدای آرام بخواند. محتوای نماز شامل ستایش پدر بزرگ روشنی، خدایان، فرشتگان و نیروهای مقدس است. این نماز که احتمالاً همان نماز بشیر مورد اشاره ابن ندیم است، (ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۸-۲۷) بخشی از آیین روزانه مانویان بوده و در زمره واجبات دین مانوی است. (Tardieu, 2008: 69).

یکی از بخش‌های مهم این نماز، ستایش خورشید، ماه و پنج نور اعظم است. این پنج نور نقش کلیدی در ایجاد قدرت، زیبایی، روح و زندگی در جهان دارند. همچنین در بخشی از نماز، خرد روشنی (عیسی مسیح) به‌عنوان فرستاده‌ای از ائوئ‌های روشنایی بالایی که فرود آمده یاد می‌شود که حکمت و رازهای الهی را به انسان‌ها آشکار کرده و راه حقیقت را نشان داده است. همچنین عادلانی (بدون ذکر نام) مورد ستایش قرار می‌گیرند که پرهیزکار و ثابت‌قدم‌اند و جهان هرگز از وجودشان خالی نخواهد بود. در پایان نماز، نمازگزار از خدایان و فرشتگان درخواست می‌کند تا او را از چرخه تناسخ، فشارها، و ظلم‌ها رهایی بخشند

چنانچه از نظر گذشت، نه تنها از شیث که هیچ نام و نشانی از چهارده ائون در این نماز نیامده است

جایگاه شیث و چهارده ائون در برخی متون غیر قبطی مانوی متون فارسی میانه و پارسی

نسخه‌های خطی مانوی ایرانی باقی‌مانده در طول این قرن در میان ویرانه‌های صومعه‌های مانوی پوشیده از شن در ترکستان شرقی کشف شدند. بیشتر این متون در نزدیکی تورفان امروزی یافت شدند. این متون به سه زبان ایرانی نوشته شده‌اند: فارسی میانه، پارسی و سغدی. از این میان، دو زبان اول (فارسی میانه و پارسی) به‌عنوان زبان‌های دینی برای سغدی‌های آسیای میانه به کار می‌رفتند. در خصوص نماز، فصل xviii راه‌گشا است. در نخستین متن از این فصل که با عنوان "نیایش و فراخوان‌ها" ثبت شده از چهار فرشته رافائیل، جبرائیل، میکائیل و اسرائیل همراه با فرشتگان نیرومند که مایه تسلای خاطر دیناوران خراسان هستند، یاد می‌شود (Boyce, 1975: 190)¹.

همچنین در ادامه نیایش (du)، یعقوب و فرشتگان پیام‌آور مورد تقدیس قرار می‌گیرند:²
"و یعقوب فرشته، بر (پسر) سیموس، گفتینوس کردگار رافائیل جبرائیل میکائیل اسرائیل نرسوس (نرسه؟) نستیقوس (گوینده؟)" (Boyce, 1975: 192).

در قطعه "فراخوانی از ایزدان رستگار و مانی" از مانی، عیسی، وهمن (اندیشه نیک)، خورشید، کنیگ روشن (دوشیزه روشنایی) و خردهای روشن، یاری برای رهایی روان طلبیده می‌شود؛ در قطعه "نماز برای سرور، با فراخوان ایزدان"، با نیایش چهار وجود الهی آغاز می‌شود که نماد خدا، نور، قدرت و خرد هستند: در این قطعه زروان، خورشید و ماه، ستون شکوه و مانی در مقام "نوس" و نماد خرد، ستایش می‌شوند و در ادامه نیایش سه شهزاده به‌عنوان همراهان نوس و در نقش خدایان رهایی‌بخش تقدیس می‌شوند (Boyce, 1975: 192). در نماز - نیایش اول به پنج فرمان و سه مهر و پنج جامه اشاره شده است. در آخرین سند، سه‌گانه ایزد مهر، مسیح و مانی، سه روشنی‌بخش رهایی‌دهنده روان انسان مورد تقدیس قرار می‌گیرند و نمازگزار از ایشان برای رهایی از

1. rwp'yyl, myx'yyl, gbr'yyl, sr'yyl, 'b'g wysp' n prystg'n 'bz'r'n, xwd 'bz'y'nd r 'm 'wd wsyd'x 'w h'm'g dyn ry xwr's' n p 'y'gws.

2. 'w y'qwb prystg, xwd'y br symws, qptynws qyrdg'r rwp'yyl gbr'yyl myx'yyl sr'yyl nrsws nstysqws

جهان مادی استمداد می‌طلبید.

در اینجا سخن بر سر رهایی روان به دست ایزدان ایرانی‌ای همچون میترا (مهر)، نریوسنگ، کنیگ روشن، وهمن و عیسی است. نیّرانی که روشنی بخشند برای هدایت روان مردگان. مفاهیمی زرتشتی با کارکردی مانوی. در قطعات مکشوفه از تورفان، مانی خود واسطه فیض الهی است و سخنی از شیث و چهارده ائون متن قبطی در میان نیست

خواست‌وانیف یا اعتراف‌نامه

خواست‌وانیف x^uāstvānīft یا اعتراف‌نامه؛ اعترافات نیوشایان را در برمی‌گیرد. در سند عبادی خواست‌وانیف بخش دعایی هر قطعه با جمله، «اکنون به درگاهت نماز می‌گزارم» آغاز می‌شود، جایگاه نیایش در پاکسازی و رهایی از گناهان در شریعت مانوی یکبار دیگر مطرح می‌گردد. در بخش‌هایی از این سند ضمن اشاره به نقش و جایگاه پنج فرزند نخستین انسان و روح زنده، به گناهی که فرد در برابر این پنج‌گانه‌ها مرتکب شده، اشاره و از خداوند طلب آموزش و بخشش می‌شود (Asmussen, 1965: 194-5)

در نیایش‌های متن مذکور از پنج عنصر یا پسران نخستین انسان؛ بانگ (خروشتگ) و نیوشیدن (پدواختگ)؛ پنج پسر روح زنده و دو پدر ایشان که در حقیقت چهارده روح بزرگ و پشتیبانان جهان مرئی هستند؛ یاد می‌شود که فرستادگانی در جهت رستگاری‌اند و زبینه رهبری و پادشاهی پس از خدای ازلی نخستین هستند (Gardner, 1995: 47-8).

در متن اخیر از خداوند در برابر تقصیرهایی که ممکن است فرد در برابر ایشان انجام داده باشد طلب آموزش و بخشش می‌شود. تفاوت عمده فصل دهم کفالایا و متن مذکور در همین توبه‌نامه است. همچنین در این متن از شیث به‌عنوان نمازگزار اعظم یاد نشده است؛ اما شخصیت‌های نیایش شده در این فصل همان ایزدان معرفی شده در فصل دهم کفالایا هستند و به لحاظ محتوایی این متن به کفالایا نزدیکتر می‌نماید تا به متون مکشوفه تورفان.

شیث و نماز او در متون گنوسی به روایت متون نجع حمادی

شیث در متون گنوسی، پرهیزکاری است که توسط فرشتگان از آسمان هبوط کرده است. او واسطه بین انسان و ملکوت است کسی که درهای آسمان را به‌وسیله نیایش بر انسان می‌گشاید. گرچه ما شاهد چنین شهودی از سوی یوحنا در متون متأخر هستیم، اما این

مکاشفه اولیه در نوع خود بی‌بدیل و منحصر به فرد است. حتی به این شهود در رساله مانوی کلن هم اشاره شده است. پس از بیان گزارشی از شهود آدم و مواجهه‌اش با فرشته‌ای به نام بالساموس به شهود شیث و در ادامه انوش پسر شیث اشاره می‌کند (Koenen, 1988: 31-5)

اما کامل‌ترین دست‌نویس در زمینه مکاشفات همان متون نجع حمادی است که به همت محققان خوانش و در دسترس قرار گرفته است. در متون قبطی‌ای که در منطقه نجع حمادی مصر کشف گردید، آثار گنوسی، هرمسی و مکاشفه‌ای به دست آمده که حتی بخشی از کتاب جمهور افلاطون را نیز شامل می‌شود (معمدی، ۱۳۸۳: ۷-۲۰۶). برای شناخت بهتر شیث در مقام نمازگزار اعظم و معرفی چهارده جاودان نماز شیث که مانی از آن یاد می‌کند، دو متن از مجموعه نجع حمادی راهگشاست. انتخاب این دو بخش از میان متون نجع حمادی به دلیل حضور پررنگ شیث در آنها است.

رساله انجیل مصریان

پیش از پرداختن به رساله انجیل مصریان لازم است خطوط کلی اندیشه گنوسی و نجات‌دهندگی در این آیین روشن شود. بولتمن در مقاله مهم خود در سال ۱۹۲۵ با جمع‌آوری بیست‌وهشت ویژگی، با استفاده از تحقیقات پژوهشگران تاریخ ادیان، طرح کلی اسطوره نجات‌دهنده گنوسی را شکل داد (Bultman, 1925: 100-146). خطوط کلی اندیشه بولتمن را یاموچی به شرح ذیل تلخیص نموده است

«در درام کیهانی، نخست انسان اولیه یا انسان قدیم سقوط می‌کند و توسط قدرت‌های اهریمنی تکه‌تکه می‌شود. این تکه‌ها در پوششی زندانی می‌شود همچون بارقه‌های روشنایی در کیسه‌ای پر باد از نسل بشر هستند. دوم، شیطان تلاش می‌کند، انسان را ب خواب و فراموشی، اغوا کند تا اصل الهی خود را به یاد نیاورد. سوم، خدای برتر، از سرزمین روشنایی، وجود دیگری را برای رهایی فرو می‌فرستد تا نزول یابد به جهان اهریمنی با جامه‌های فریبنده با ظاهری جسمانی از برای رهایی از توجه اهریمنان. چهارم، فرستاده نزول کرده است تا او را از منشأ آسمانی‌اش آگاه سازد، پس به او معرفت و علم می‌آموزاند که همچون رمز عبوری برای صعود مجدد آسمانی‌اش است. پنجم نجات‌دهنده نیروهای اهریمنی را شکست می‌دهد و سپس راهی برای روان‌ها می‌یابد که

از پی او می‌روند. ششم، رستگاری جهانی، زمانی به دست می‌آید که روان‌های انسان‌ها گرد هم آیند و به بالا صعود کنند. در این مسیر نجات‌دهنده خود نجات می‌یابد همچون انسان اولیه که در آغاز فروافتاد و در ادامه جانشینی یافت که همان راه بایسته برای دستیابی به رهایی سالک مانوی است که در سجود نمازش جلوه‌گر می‌شود و برپایی نمازی با این اصول و شرایط در واقع وسیله‌ای برای وصول به این چنین هدفی (صعود دسته‌جمعی) است. (Yamauchi, 1973: 29-30).

در انجیل مصریان هیچ سخنی از عیسی به میان نیامده و شیث شخصیت اصلی این رساله است. پیرسون خلاصه‌ای از این دست‌نوشته را بدین شرح توصیف کرده است: شروع همه چیز از خدای اعلائی است که در نور و آرامش مسکن گزیده است. او از فراسو به زیر می‌آید تا زشتی‌ها را از میان بردارد. سپس لوگوس و انسان فناپذیر به یکدیگر ممزوج می‌شوند و از لوگوس، انسان خلق می‌شود؛ بنابراین انسان از طریق یک کلمه به وجود می‌آید. او، بزرگ، نادیدنی، نامحدود، روح باکره و باکره نرینه، سومین اولاد ذکور یوئل و ایسفیچ^۱ نگهدارنده شکوه، کودکی از کودک و پادشاهی (تاجی) از پادشاهی را و ائون دوخمدون بزرگ^۲ و اورنگ‌هایی که با اویند را و قدرت‌هایی که او را احاطه کرده‌اند، شکوهمندان و فسادناپذیران و پریانشان را و زمین اثری را ستایش می‌کند. در جایی که مرد مقدس از روشنایی بزرگ، از پدر سکوت، سکوت جاودانه، و پریان بی‌نقصش، صورت می‌پذیرد (Pearson, 2004: 231)

راز نماز در داستان آفرینش گنوسی و چگونگی تکوین آدم و مقابله شیطان و یارانش در برابر این موجود نوظهور، یعنی انسان نهفته است. آنگاه که تصویر انسان در آب‌ه انعکاس می‌یابد، شیطان و یارانش به تقلید از نیروهای الهی، اولین بشر تباه‌شدنی را به وجود می‌آورند. به دنبال آن نویسنده، به توصیف مجازات سیل و آتش، همان عقوبت الهی نسل تباه‌شدنی بزرگ، می‌پردازد. در این هنگام شیث بزرگ به روح نادیدنی پناه می‌برد و از دیگر قدرت‌های مافوق استمداد می‌طلبد تا از ذریه او تا پایان دنیای فرودست محافظت کنند و این راز نماز شیث است. علاوه بر این، شیث بزرگ، مراسم تعمید مقدسی را برپا می‌کند که نسل بشر را قادر به رهایی از شیطان می‌سازد و این سببی است

1. Youel and Esephech

2. Domedon Doxomedon

که شیث نمازگزار اعظم فصل دهم کفالیای مانوی معرفی می‌شود. او نخستین انسانی است که برای رهایی نماز می‌گزارد

سه لوح شیث^۱

دست‌نوشته سه لوح (ایستاسنگ) شیث، پنجمین رساله در کدکس هفتم کتابخانه نجع حمادی است. در این متن فردی به نام دوزیتئوس^۲ در قالب رؤیا محتوای سه لوحی را مشاهده کرده که توسط شیث باستانی نوشته شده است. این رساله نه مسیحی که صبغه یهودی^۳ و نوافلاطونی دارد؛ رساله‌ای گنوسی- شیثی که هرچند منبعش مشخص نیست، اما ماهیت فلسفی آن به‌خوبی با اسکندریه مصر سازگار است.

رساله به‌طور کلی به سه بخش تقسیم شده که محتوا و بن‌مایه‌اش نیایش است. بخش آغازین، بیانگر عروج سه شخصیت الهی است که در تثلیث گنوسیان شیثی با نام‌های: گراداما (س) پدر^۴، باربلو^۵ و پسرشان (اماخا) شیث شناخته شده‌اند. بنابراین، نخستین لوح با این عبارت آغاز می‌شود

من تقدیس می‌کنم تو را، پدر، گراداما و نیز پسر تِ اماخا شیث، را « (Robinson, 1990:397)

در ادامه مصنف به توصیف چگونگی عروج اهل راز در جامعه شیثی می‌پردازد. در توصیفات رساله شیث به این امر اشاره می‌شود که او (پدر) ایزدان را از یاد نمی‌برد، به ایشان شکوه می‌بخشد. لوح اول با توصیفات متعدد از پدر و ستایش او به پایان می‌رسد. واقع این نیایش‌ها و تقدیس‌ها تأکیدی است بر بازگشت به سوی تثلیث (وجود، حیات، ذهن) نوافلاطونیان با زبانی که تنها متعلق به افلاطونیان عصر میانه است. لوح دوم با ستایش باربلو ادامه می‌یابد (Robinson, 1990: 399)

در اواسط لوح سوم با چهارده تن با اسامی ناشناخته‌ای مواجه می‌شویم که مورد

۱. The Three Steles of Seth: Robinson, 1990, pp 396-401.

۲. Dositheos

۳. وجود الواح شیث خود یادآور الواح موسی است و دوسیتئوس به‌عنوان بنیانگذار مشهور مذهب گنوسی سامری و مدرس اسنیا و سرمتبان شناخته شده است.

۴. Ger-Adamas

۵. Barbelo

تقدیس و ستایش قرار گرفته‌اند و با نام ائون‌ها یا جاویدانان شناخته می‌شوند، نورهای آزاد شده و رهایی‌یافته که اولی مستور و دومی خود زاده است. آنان همان ائون‌ها و رستگاران تقدیس شده در نماز شیث‌اند که تنها در رساله شیث از این اسامی یاد می‌شود. ستون سوم به شرح زیر است

چگونه می‌توانیم بر تو نامی بگذاریم؟ / ما چنین نامی نداریم. / زیرا تو وجود همه آن‌ها هستی / تو زندگی همه آن‌ها هستی. / تو خرد همه آن‌ها هستی. زیرا تو کسی هستی که همه آن‌ها در تو شادمان‌اند. تو به همه‌ی این‌ها فرمان دادی تا از طریق کلامت نجات یابند. / [...] جلالی که پیش از اوست، ای پنهان / ای سناون پربرت، [کسی که خود را آفرید]، / آسی نئوس، [...] فنئوس، اُپتائون، الثمائون، / ای قدرت بی‌کران، امونئیار، نیبارئوس، کاندفوروس، آفردون، / دیفانئوس، تو که برای من آرمدون هستی، / ای زاینده قدرت، تالاناتئوس، آنتی تئوس، / تو که در درون خویش وجود داری، / تو که پیش از خودت هستی / و پس از تو، هیچ‌کس قدم به عرصه فعالیت نهاده است (Robinson, 1990:401: 5).

در این بخش، وجود پیشین و غیر مخلوق که منبع تمام موجودات و عوالم است، ستایش می‌شود. این وجود به‌عنوان پدر الوهیت، زندگی و ذهن توصیف می‌شود که همه چیز از او سرچشمه می‌گیرد. در این دست‌نوشته از خدای آرمدون نام برده می‌شود که آفریننده و هماهنگ‌کننده قدرت‌های آسمانی است. این ستایش با دعا برای نجات و رسیدن به زندگی ابدی پایان می‌یابد، اما نام‌های یادشده در این ستون گویا اسامی مرکب و تا حدی جادویی هستند که معانی‌ای در جهت انتقال کارکرد هر ائون در نظام گنوسی دارند، اسامی‌ای که در معنای کلی در بردارنده مفاهیم نور، روشنایی و قدرت هستند. این اسامی جادویی در الفبای یونانی از واژگانی تشکیل می‌شود که هر کلمه، مؤید عددی است و هر حرف ارزش عددی خاصی دارد (مانند آلفا=۱، بتا=۲، ...). و از قرار گرفتن این اعداد در کنار هم اعداد بزرگتری شکل می‌گیرد، در حقیقت جمع این اعداد در یک نام مقدس، می‌تواند به عددی نمادین تبدیل شود که مسیر صعود را هموار می‌کند و این‌گونه

1. blessed Senaon, he who begat himself, Asineu(s), [...]ephneu(s), Optaon, Elemaon the great power, Emouniar, Nibareu(s), Kandephor(os), Aphredon, Deiphaneus, thou who art Armedon to me, power-begetter, Thalanaotheu(s), Antitheus.

خطاب‌کننده به قدرت فرشتگان دست می‌یابد که این رازی است مربوط به اسرار پنهان الفبای یونانی. این نام‌های ناآشنا در کدکس‌های مختلف دست‌نوشته نجع‌حمادی بسیار به چشم می‌خورند و به قول بروک این اسامی خواننده را دچار سردرگمی می‌کند که آیا با یک متن عرفانی مواجه است یا جادویی (Broek, 2013: 16)

همچنین، ساختار نگارش رسالهٔ شیث چنان است که گویی در بخش اول این رساله، عمدتاً به صدای بی‌صدا یا صدای تفکر نخستین گوش می‌دهیم؛ در بخش دوم، تأکید بر ظهور این صدا در کالبد "گفتار" است و در بخش سوم، شکل خاص این صدا را به شکل "لوگوس" درک می‌کنیم (Williams, 2005: 45-46)؛ بنابراین، باوجود اینکه نخستین اصل ستایش‌شده، کاملاً غیرقابل‌درک و نامفهوم است، یک فرایند خودآشکارگی وجود دارد که حقیقت متعالی به تدریج با اوج گرفتن نیایش به سمت وضوح و ملموس‌تر شدن پیش می‌رود. روش نیایش به این صورت است که تقدیس از سومین به نخستین با "سکوت، صعود و سپس نزول" انجام می‌شود

با درک صعود و نزول نماز شیث، این برداشت که رسالهٔ «سه لوح شیث» صبغه یهودی دارد، ادعایی خلاف واقع نخواهد بود. جای تردید نیست که صعود و نزول‌های پایانی رساله شیث، سجود مانوی و الگوپذیری شیوه نیایش مانوی از آیین گنوسی را محرز می‌کند. در نماز شیث، صعودکننده و نزول‌کننده می‌بایست نیایش را با صدای بلند زمزمه کنند و در میان نیایش‌های اول و دوم لوح سوم که نیایش پدر قدیم آمده است، سکوت اختیار کنند (Pearson, 2004: 276) که یادآور سجده، نجوا و ذکر در متن مانوی کلیس است. همچنین این میراث در میان پیروان مکاتب عرفانی مرکاوا نیز شکلی نمادین و پرمعنایی می‌یابد. این صعود که در ادبیات عرفانی یهود «نزول به عرش» نامیده می‌شود، بی‌شک با آنچه در آیین گنوسی پیرامون صعود گفته شد، بیگانه نیست (Scholem, 1941: 85).

اکنون می‌دانیم که به قول دورس تقدیس شدگان نماز شیث نیروهای نامیرایی هستند که اقتدار نظارت و نگهبانی جهان به آنان سپرده شده است (Doresse, 1960: 177-179) و نمازها در حقیقت پیشکش‌های انسان‌ها برای ارتباط مداوم با چشمه‌های درخشان نورانی‌اند، عاملی برای ارتباط با خدایان تا آنان انسان را به عرش عروج دهند. (Pearson, 2004: 233) چنین خویشکاری در توازن با رسالت انسان و نیایش او در متون

مانوی است.

شبهات پرداخت محتوا، چگونگی یادآوری اسامی و تقدیس برگزیدگان در متون قبطی مانوی چنان همانند و همسو با رساله «سه لوح شیث» است که خواننده را به تعجب وامی‌دارد. گویا یک نویسنده یک متن را در دو رساله برای دو نحلۀ فکری نگاشته است. در رسالۀ شیثی ایزدان و در دو رسالۀ (مواعظ و مزامیر) مانوی، شهیدان و برگزیدگان مانوی تقدیس می‌شوند. تقلیدی ماهرانه که ذهن را از انسان‌های برگزیده به ایزدان برگزیده هدایت می‌کند، اما در کفالا یا این همانندی محرزتر می‌شود. آنجا که ائون‌های تقدیس شده، چهارده ایزد شناخته‌شده مانوی هستند که خویشکاری‌ای نزدیک به چهارده ایزد شیثی- گنوسی دارند. ایزدانی که نور و روشنایی، قدرت و زیبایی را در خود دارند، جاویدان‌اند و خویش کاری نهایی‌شان رستگاری آدمی است؛ در نماز تقدیس می‌شوند و ذکر نامشان در نماز عامل رهایی انسان است. هرچند که به سبب ماهیت پیچیده متون مانوی این مقایسه نمی‌تواند مقایسه‌ای متقن میان دو گروه از ائون‌های مانوی و شیثی باشد اما به نظر می‌رسد این دو گروه نزدیکترین کارکرد و قالب را با یکدیگر دارند.

نتیجه‌گیری

این مقاله با بررسی فصل دهم کتاب کفالا یا و تحلیل نماز شیث و چهارده ائون مقدس، به دنبال کشف ارتباط میان اندیشه‌های مانوی و گنوسی بوده است. در این پژوهش، مشخص شد که نماز شیث و چهارده ائون مورد ستایش او، ریشه در متون گنوسی، به‌ویژه متون نجع حمادی، دارد. این ائون‌ها که در نماز شیث تقدیس می‌شوند، در متون گنوسی به‌عنوان نیروهای الهی و نجات‌بخش شناخته می‌شوند که نقش کلیدی در نظام کیهان‌شناسی و نجات انسان ایفا می‌کنند

با بررسی متون گنوسی، به‌ویژه رساله‌های «انجیل مصریان» و «سه لوح شیث»، این فرض مطرح شد که چهارده ائون مقدس در نماز شیث، محتمل است که همان نیروهای الهی باشند که در متن گنوسی «سه لوح شیث» به‌عنوان ائون‌های نجات‌بخش معرفی شده‌اند. این ائون‌ها در نظام مانوی نیز به‌عنوان عناصر اصلی نماز و نیایش، نقش مهمی در رهایی روح انسان از چرخۀ تناسخ و رسیدن به نور جاودانه ایفا می‌کنند از دیگر سو، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که صرف مانوی بودن دو

دست‌نوشته متعلق به حوزه‌های جغرافیایی متفاوت، دلیلی بر همسانی محتوایی یا الهیاتی آنها نیست. حتی در مواردی که شباهت‌های ظاهری در نام ایزدان وجود دارد، نمی‌توان با قطعیت ادعای وحدت مفهومی میان آنها را تأیید کرد. داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که هر متن مانوی بیش از آنکه تابع انگاره‌های جهان‌شمول مانویت باشد، تحت تأثیر سنت‌های دینی منطقه‌ای است که در آن تولید شده است. این تفاوت‌ها صرفاً در سطح واژگان نیست، بلکه گاه به شالوده‌های فکری و محتوایی نیز تسری می‌یابد. این ناهمگونی، پرسش‌هایی جدی دربارهٔ مرزهای هویتی متون مانوی در بسترهای فرهنگی مختلف ایجاد می‌کند

منابع

ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۰). مانی به روایت این ندیم. تهران: انتشارات طهوری.
 کفالایا: نسخه موزه برلین (۱۳۹۵). برگردان تطبیقی از ترجمه آلمانی و انگلیسی نسخه
 قبطنی. برگردان: مریم قانع، سمیه مشایخ. تهران: انتشارات طهوری.
 معتمدی، منصور (۱۳۸۳). «انجیل توماس به روایت کشفیات نجع حمادی». هفت‌آسمان.
 صص ۲۰۶-۲۰۷.

- Allberry, C. R. C. (1938). *A Manichean Psalm-Book II*, Manichean Manuscripts in the Chester Beatty Collection 2.
- Asmussen (1975). *Manichaean literature*, Scholars Facsimilies & Reprint; First Edition.
- Asmussen, Jes P (1965). *x"āstvānīft studies in Manichaeism*, Copenhagen;
- BeDuhn, J. (2015a). "Parallels between Coptic and Iranian Kephalaia: Goundesh and the King of Touran". In I. Gardner, J. BeDuhn, & P. Dilley (Eds.), *Mani at the Court of the Persian Kings: Studies on the Chester Beatty Kephalaia Codex* (pp. 52-74). Leiden: Brill.
- Boyce, Mary (1975). *A Reader in Manichaean middle persian and parthian*, Leiden.
- Bultman, R (1925). "Die Bedeutung der neuerschlossenen mandäischen und

manichäischen Quellen für das Verständnis des Johannesevangeliums“ *Journal Zeitschrift für die Neutestamentliche Wissenschaft und die Kunde der Älteren Kirche*.

Böhlig, Alexander and Wisse, Frederik (1990). “*The Gospel of the Egyptian*“, In: Nag Hammadi library cod. III 2 and IV 2.

Dihle, Albrecht (1969). “*Manichaeism and Its Legacy*“, Brill.

Doresse, Jean (1960). “*The Secret Books of the Egyptian Gnostics: An Introduction to the Gnostic Coptic Manuscripts Discovered at Chenoboskion*“, Viking Press.

Funk W P (1999). Kephalaia I: Zweite Hälfte, Lieferung 13/14 and 2000, Kephalaia I: Zweite Hälfte, Lieferung 15/16 and 2018, Manichäische Handschriften, Bd. 1: Kephalaia I, 2. Hälfte, 17.+ 18. Lfg. Mit Einbanddecke (Coptic and German Edition).

Gardner, Iain (2012). “*Mani, Augustine and the vision of God*“, HTS Theological Studies.

Gardner, Iain (1995). *The Kephalaia of the teacher*, EJ Brill Leiden. New York. Köln.

Gardner, I. BeDuhn, J & Dilley, P (2022). *Manichaean Manuscripts in the Chester Beatty Library: The Kephalaia Codex - The Chapters of the Wisdom of My Lord Mani*, Part iii: Pages 343–442 (Chapters 321–347), Leiden, Boston

Gardner, Iain, Jason BeDuhn, and Paul Dilley. 2015. *Mani at the Court of the Persian Kings: Studies on the Chester Beatty Kephalaia Codex*. Nag Hammadi and Manichaean Studies 87. Leiden: Brill.

Gardner, Iain and Lieu, Samuel N. C (2004). *Manichaean Texts from the Roman Empire*, Cambridge University Press.

Greenlees, Duncan (2007). *The Gospel of the Prophet Mani*, Theosophical Publishing House.

Henning, W.B (1948). “*A Sogdian fragment of the Manichaean Cosmogony*“

BSOAS 12: 307 ff.

Jenkins, R.G (1995). “*The Prayer of the Emanations in Greek from Kellis*“ (T. Kellis 22), Journal: LeMuséon (categories : Patristics, Oriental Studies), Volume: 108.

King, Karen L (2009). *The Secret Revelation of John*, Harvard University Press;
Koenen, Ludwig and Henrichs, 1988, Der Kölner Mani- kodex, sholars press;
Layton, Bentley, 1981, *The Rediscovery of Gnosticism*, volume 2, Sethian
Gnosticism, Leiden. J. BRILL.

Logan, A. H. B (1996). *Gnostic Truth and Christian Heresy: A Study in the History of Gnosticism.*, Edinburgh: T&T Clark.

Morris, Howard M (2001). “*Exploring the Gnostic Bible*“, Inner Traditions;
Pearson, Birger A (2004). Gnosticism and christianity in Roman and Coptic
Egypt (Studies in Antiquity & Christianity), the institute for Antiquity and
Christianity.

Perkins, PHEME (1981). *Logos Christologies in the Nag Hammadi Codices*,
Vigiliae Christianae; Amsterdam Vol. 35, Publisher logo;

Polotsky, Hans Jakob, Manichäische Homilien, band I (1934). Stuttgart;

Robinson, James R (1990). “*three steles of seth*“, In: Nag Hammadi library, cod.
VII 5, E.J Brill The Netherlands.

Scholem, Gershom G (1965). *Jewish Gnosticism, Merkabah Mysticism, and
Talmudic Tradition Based on the Israel Goldstein Lectures, Delivered at the
Jewish Theological Seminarz of America*, New York.

Scholem, Gershom (1995). *Major trends in Jewish mysticism*, Schocken Books, in
library; printdisabled; internetarchivebooks; china.

Schuller, Daniel (1995). “*Manichaean Texts from the Time of Alexander the
Great*“, Journal of Ancient History.

Tardieu, Michel (2008). *Manichaeism* , illustrated. Publisher, University of Illinois
Press.

- van den Broek. Roelof (2013). *Gnostic religion in Late Antiquity*, Cambridge University Press The Edinburgh Building, Cambridge CB2 8RU, UK.
- van Oort, Johannes, ed (2020). *Manichaeism and Early Christianity: Selected Papers from the 2019 Pretoria Congress and Consultation*. Leiden-Boston: Brill.
- Williams, Michael A (2005). “*Sethianism*“ in , A Companion to Second-Century Christian “Heretics“, Edited: Antti marjanen and Petri Luomanen, V 76, Leiden-Boston.
- Yamauchi, Edwin M (2003). *pre-Christian Gnosticism*, Wipf and Stock publishers.

